

# ایینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره پنجم  
آذر دی ماه ۱۴۰۳  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۹

۲۰۹

دوماهنامه  
آینه پژوهش

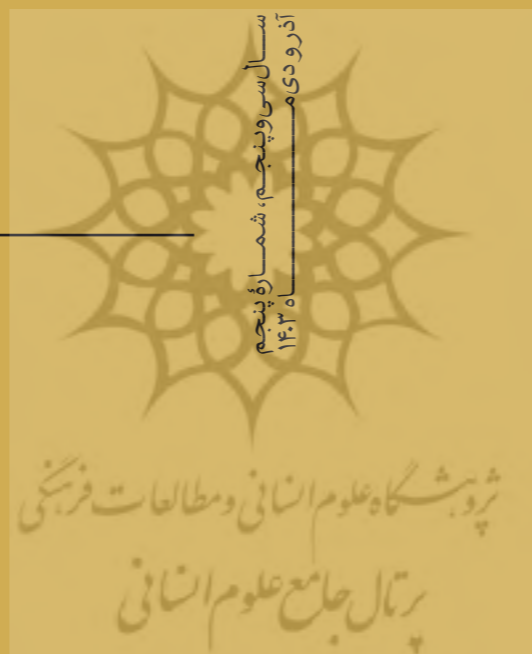
## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.5 Dec 2024 - Jan 2025

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

209

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture



چاپ نوشت (۱۶) | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۱) | کرامات و احوالات  
غریبه | امکان سنجی استفاده نفسییر عیاشی از کتاب القراءات سیاری |  
سفرنامه های به زبان اردو درباره ایران | آینه های شکسته (۶) | چند اطلاع  
تراثی درباره حیات علمی عالم و ادیب امامی | اشعار تازه یاب از شاعران  
دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر (۲) | برهان المسلمین | پیک  
معتمد | نامه ای از محقق طوسی و بحثی لغوی درباره یک عبارت |  
خراسانیات (۲) | یادداشت های لغوی و ادبی (۲) | نقد تصحیح دیوان امیر  
عارف چلبی | طومار (۸) | تکملة اللطائف و نزهة الطرائف (متنی فارسی از  
سده ۵ ق) | گشت و گذاری در «میراث ادیبان شیعه» | طلوع و غروب یک  
نشریه | نگاهی انتقادی به کتاب الفصوص فی علم النحو و تطبیق  
قواعد علی النصوص | نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش | سبک کار مورخان حرفه ای در تاریخ نگاری اسلامی پیش از عصر تألیف

مجدد جلیسه | مرتضی کریمی نیا |  
رسول جعفریان | امیرحسین  
خوردوش | ایلا عبیدی | حیدر  
عیوضی | رسول جزینی | زقیه  
فراهانی | امیرحسین آقامحمدی |  
سیدمحمدحسین | میرفخرانی |  
امیدحسین نژاد | آریا طیب زاده |  
میلاد بیگلر | سیدعلی  
میرافضلی | علی زاد | بهروز  
ایمانی | پرینسا سنجابی |  
مردم شیرازی | جواد آسه | علیرضا  
خرابی | آریا طیب زاده |  
سپهر رمضانپور | اصفهانی



پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش  
Jap.isca.ac.ir

## آینه‌های شکسته (۶)

### عناصر اسلامی در ترجمه‌ای منظوم از تورات عبری، شاهین تورا

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی

| ۱۷۷-۱۸۹ |

۱۷۷

آینه پژوهش | ۲۰۹

سال ۳۵ | شماره ۵

آذر و دی ۱۴۰۳

**چکیده:** شاهین توره ترجمه‌ای منظوم از تورات است که در قرن هشتم هجری سروده شده و تقریباً هیچ اطلاعی از حیات تاریخی شاعر در دست نیست. این اثر به دلیل آنکه به سبک فارسیهود (متون فارسی با الفبای عبری) نوشته شده، تا کنون آن‌طور که باید مورد توجه نبوده و تنها در سال‌های اخیر با برگردان آن به الفبای فارسی به طور پراکنده صورت گرفته است. بخش اول این مقاله به بررسی برخی ویژگی‌های منحصر به فرد این اثر اختصاص دارد؛ در بخش دوم در هشت محور برخی عناصر و مفاهیم اسلامی در ترجمه آن منعکس شده است. مباحث مطرح به این سمت پیش می‌رود که منظومه شاهین توره به عنوان یک میراث مشترک ادیبانی و همچنین سرزمین حاصل‌خیز می‌تواند منبعی برای پژوهش‌های تطبیقی باشد. بر این اساس، در بخش جمع‌بندی برخی بایسته‌های پژوهشی پیشنهاد شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شاهین توره، ترجمه‌های تورات، قصص انبیاء، فارسیهود، شعر فارسی.

**Broken Mirrors (6): Islamic Elements in a Rhymed Translation of the Hebrew Torah, *Shahin Torah***

Heidar Eyvazi

**Abstract:** *Shahin Torah*, a rhymed translation of the Torah composed in the 8th century AH, remains largely unknown, particularly due to the lack of historical information about its poet. Written in the Persian-Hebrew style (Persian texts using the Hebrew alphabet), the work has not received much attention until recently, when it was transcribed into the Persian alphabet and began to attract scholarly interest. The first part of this article explores the unique features of this work. The second part highlights eight main points where Islamic elements and concepts are reflected in the translation. The discussion moves towards viewing *Shahin Torah* as a shared religious heritage, suggesting that it can serve as a fertile ground for comparative studies. In the conclusion, the article offers some recommendations for further research.

**Keywords:** *Shahin Torah*, Torah translations, stories of the prophets, Persian-Hebrew style, Persian poetry.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## درآمد

مقاله حاضر متمرکز بر دو اثر موسی نامه و برشیت نامه است که به اهتمام آقای دکتر منوچهر خوبان با عنوان شاهین تورا در آمریکا، به سال ۱۳۷۸ ش. / ۱۹۹۹ م. منتشر کرده است (وست وود: شرکت کتاب). راجع به هویت شاعر، شاهین جز آنکه در قرن هشتم هجری می‌زیسته، تقریباً هیچ چیز دانسته نیست، حتی راجع به محل اقامت او نیز از شیراز و کاشان تا بلخ کماکان احتمالاتی مطرح است؛ چه اینکه همه آثار این شاعر به فارسی‌هود نوشته شده، و به این جهت از کانون توجه جامعه علمی دور مانده است. بر این پایه، همانطور امنون نتصر به درستی اشاره کرده، تنها چیزی که به قطع می‌دانیم اینکه «مدح شاهین از سلطان ابوسعید (۱۳۱۶-۱۳۳۵ م.)<sup>۱</sup> که در دو اثر منظوم موسی نامه و اردشیر نامه آمده احتمالاً نشان دهنده روابط حسنه بین وی و سلطان ایلخانی است» (نتصر، «سیری در ادبیات یهود»، پادیاوند، ج ۱، ص ۵۴). آثار شناخته شده او که همه منظوم‌اند عبارتند از:

۱. موسی نامه،

۲. اردشیر نامه،

۳. عزرا نامه،

۴. برشیت نامه (آفرینش نامه / نخستین سفر از اسفار خمسه موسی).

## پیشینه پژوهش

تا جایی که اطلاع دارم، برای نخستین بار امنون نتصر در نهایت اجمال به مضامین اسلامی در اشعار شاهین اشاره کرده است؛ از جمله در این عبارت «شاعر از حکایات و روایات تلمودی و میدراشی ... همچنین از منابع اسلامی مانند قصص الأنبياء، در نظم موسی نامه استفاده کرده است و حضرت موسی را در چهره‌ای غیر از آنچه در تورات مصور است، بما نشان می‌دهد.» (نتصر، «سیری در ادبیات یهود»، پادیاوند، ج ۱، ص ۵۵).<sup>۲</sup> اما به

۱. سلطان ابوسعید بهادر خان (۱۳۰۵ - ۱۳۳۵ م.) پسر و جانشین سلطان محمد خدا بنده اولجایتو و آخرین فرمانروای ایلخانیان مغول می‌باشد.

۲. و همینطور در رابطه با متون ادب فارسی «آرایش سپاه... یهوشوع، العازار و دیگران و صنف‌بندی آنها در مقابل دشمن در میدان جنگ صحنه‌های نبرد شاهنامه فردوسی را بیاد می‌آورد.» (نتصر، همانجا، ص ۵۵).

نظر می‌رسد، موضوع خیلی فراتر از این است؛ به عبارتی ما تنها با چند مضمون غیر توراتی مواجه نیستیم، بلکه حضور انبوه عبارات، ترکیب‌های قرآنی و کلیدواژه‌های اسلامی همپای مضامین توراتی شاهین توره را به یک میراث مشترک ادیانی تبدیل کرده است (و موضوعاتی چون احتمال تغییر کیش شاعر، در حاشیه آن قرار دارد).

در اینجا اشاره به دو مقاله دیگر خالی از لطف نیست؛ هر چند این دو پژوهش جزء پیشینه موضوع ما نیست، اما مطالعه آنها از دو منظر مختلف سودمند است:

الف) «تحلیل سبک شناسی منظومه شاهین تورات»، محسن محمدی و فاطمه قیومیان محمدی، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی، زمستان ۱۳۹۰، ش ۱۴ (ص ۷۵-۵۷)، همانطور که از عنوان آن برمی‌آید، تنها به مباحث سبک شعری این اثر متمرکز است؛ این مقاله اطلاعات خوبی را از جهت سبک شناسی و موضوعات مرتبط ارائه می‌دهد: «منظومه شاهین تورات، از آثار قرن هشتم هجری است، ولی بیش از آنکه با ویژگیهای سبک عراقی - که سبک معمول این قرن است - همخوانی داشته باشد، با مختصات سبک خراسانی هماهنگ است» (ص ۵۸).

ب) «عناصر عرفانی در ادبیات فارسی - یهودی»، منصور معتمدی و مریم پورصادقی، پژوهشنامه ادیان، ۱۳۹۳، ش ۱۵ (ص ۱۱۰-۷۷).

مقدمه ما در اینجا به پایان رسید؛ و مقاله در دو بخش ادامه می‌یابد: ۱. کلیات: در باب معرفی؛ ۲. عناصر اسلامی در شاهین توره.

## ۲. کلیات: بیان ویژگی‌ها

در محدودیت یک مقاله، در اینجا به طرح چند ویژگی شاخص شاهین توره، به عنوان ترجمه تورات بسنده می‌کنم.

### ۱.۱. طرح اصطلاح‌های الهیات و شریعت یهود

در ایبات متعددی با اصطلاح‌ها و کلیدواژه‌های الهیاتی - فقهی در آیین یهودیت مواجهیم که به توسعه دانش ما کمک می‌کند. در عمده موارد مصحح محترم در پاورقی معانی آنها را به اختصار بیان کرده است.

شخینا حق بدانجا گشت پیدا / خلیل حق بعقدش گشت شیدا (ص ۹۲، ۱۰۴)  
پاورقی: شخینا: نور خدا.  
به آب اندر شد و کرد او طبیلا / پس آنکه خویشتن را کرد میلا  
پاورقی: طبیلا: غسل؛ میلا: ختنه (ص ۹۹).  
بود ظالم ورا شاعی و زندقی / همیشه در پناه مرد صدیق (ص ۱۰۲)  
پاورقی: شاعی به عبری ظالم را گویند.

## ۱.۲. رویکرد تفسیری درش

در یهودیت برای تفسیر تورات به طور کلی چهار روش مطرح است: ۱. پشط (pesāt/פְּשָׁט): توضیح معنای لغوی و پایه‌ای واژه‌ها؛ ۲. درش (derash/דְּרָשׁ): توضیح معنای آیات با رویکرد اخلاقی - اجتماعی و با تکیه بر سنت میدارشی؛ ۳. رمز (remez/רֵמֵז): کشف اسرار کلمات و حروف (با استفاده از ابجد و ...). ۴. سُود (sôd/סוּד): تفسیر عرفانی. بر این پایه، ترجمه مورد بحث، متضمن مباحث تفسیر نیز می‌باشد که عمدتاً همسو با روش دوم یعنی درش است:

این رویکرد در بخش‌های مختلف اثر به خوبی ملموس است؛ گاه با هدف پاسخ دادن به برخی شبهاتی که همواره در گفت و گوهای دینی در مجامع مذهبی رایج است؛ به عنوان مثال، اینکه اساساً چرا خداوند شیطان را از اول در بهشت (عدن) راه داد:

اگر پرسد کسی، گوید که جبار / خدای بحر و کان و پشه و مار  
چرا ابلیس را در خُلد ره داد / در خُلد برین بر روش بگشاد  
جواب این است که بود آن حکم سبحان / که باشد پیش آدم نیز شیطان  
چو آدم را به جنت کرد مأوا / از آن، آن شوم را ره داد آنجا (ص ۲۱).

گاه در توجیه برخی حوادث، مثلاً در علت عذاب زن لوط:

زن لوط از نژاد کافران بود / ز ناگه از قضا آن نعره بشنود (ص ۱۰۹)

۱. در رابطه با برخی گرایش‌های عرفانی آن نیز نک. «عناصر عرفانی در ادبیات فارسی - یهودی»، منصور معتمدی و مریم پورصادقی، پژوهشنامه ادیان، ۱۳۹۳، ش ۱۵ (ص ۷۷-۱۱۰).

توضیح لایه‌های پنهان داستان:

در ماجرای فرار یعقوب از پدر زن خود، لابان، سفر پیدایش به اجمال چنین می‌گوید «و راحیل، بتهای پدر خود را دزدید» (پیدایش ۳۱: ۱۹)؛ در تفاسیر گفته می‌شود که بتهای اشاره به اسطراب دارد، مطابق آن شاهین نیز از زبان لابان آورده:

چو میرفتی نهان و آشکارا / چرا بردی تو اسطراب ما را (۱۹۷، ۱۹۸).

باری، رویکرد اخلاقی در سراسر کتاب، مشخصا در برش‌هایی از داستان انبیاء بسیار پررنگ است:

دختران کاهن مدیان (در کتاب شعیب)، موسی را با پرتاب سنگ از پشت سر به سمت خانه پدری راهنمایی می‌کنند؛ این به درخواست موسی بود:  
بر ایشان گفت موسی ره کدامست / بدیدن پشتتان بر ما حرام است  
بیاندازید بر من سنگ بر راه / که تا من پی برم شد راه کوتاه  
بگفتند آن زمانش کای سرافراز / خرد بادا همیشه با تو دمساز (ص ۴۲۹).

### ۱.۳. تأویل گناهان منسوب به انبیاء

ماجرای قتل قبطی به دست موسی در سفر پیدایش به اجمال آمده (۲: ۱۱-۱۲)، اما مطابق تفسیر شاهین آن مرد، چشم به ناموس شخص عبرانی داشته:  
چون او را کشته سازد باز گردد / پس آنکه با زنش دمساز گردد  
نبی اندر پیش زود از میان جست / کمر در کین آن نامهربان بست  
بزد مستی چنانش بر بناگوش / که بیرون ریخت مغزش بر سر دوش (ص ۴۲۲)

### ساخت گوساله زرین به دست هارون

در دوره سرگردانی قوم عبرانی، هنگامی که بازگشت موسی از کوه سینا به تأخیر افتاد، بر اساس سفر خروج (فصل ۳۲) قوم نزد هارون آمده و گفتند «برخیز و بهر ما خدایی بساز». هارون هم بلافاصله پاسخ داد «گوشواره‌های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شماست، بیرون کرده، نزد من بیاورید» (۳۲: ۱-۲). اما شاهین ماجرابی را در این میان نقل می‌کند که مطابق آن هارون مجبور به انجام آن بوده است. کوتاه آنکه، حور (فرزند

مریم نبیّه، یعنی خواهرزادهٔ هارون و موسی، هنگامی که مردمان را به صبوری دعوت کرد، قوم بر او هجوم آورده و سنگسارش کردند:

بزاری حور را بر جا بکشتند / بضرب سنگش اندر خون سرشتند

پس از آن، قوم نزد هارون آمده و او مجبور شد به خواسته ایشان تن دهد:

اگر خواهی که دیری در زمانه / ایا هارون بمانی بی بهانه  
یکی معبودمان این دم بپرداز / برآید ناگهی با ما در آواز (ص ۵۶۱).

## ۲. عناصر اسلامی در ترجمه شاهین

همانطور که در مقدمه به اجمال گفته آمد، عناصر و مضامین اسلامی در این اثر چیزی فراتر از یک تأثیرپذیری ساده از فرهنگ و ادبیات فارسی است؛ بلکه حجم و گسترهٔ آنها تقریباً هم‌پای عناصر و مضامین تورات عبری می‌باشد. در این بخش، تنها در هشت محور شواهدی مطرح می‌شود:

### ۲.۱. لفظ جلاله/الله

نخواهی زحمتی دیدن در این راه / تو را توفیق بخشیده است الله (ص ۱۰۹، ۱۱۱)

یا در ترکیب حاش الله، در ماجرای مهمانی زلیخا

بگفتند حاشاً الله این بشر نیست / جمالش کم ز خورشید و قمر نیست (ص ۳۰۶)

همینطور در ادامه

نگهبان تو دائم بود الله / ز چاهت ناگهان بنشانند بر جاه (ص ۳۲۲)

منم الله ابراهیم و اسحاق / منم معبود آن ایوان نه طاق (۳۵۱)

در کمک رسانی جبرئیل به موسی

ز شب یک بهره چون بگذشت ناگاه / در آمد جبرئیل آن پیک الله

ز پیش پادشاه پادشاهان / خطا بخش گناه عذرخواهان

سلامی بر نبی داد آن سرافراز / بداد او را جوابش شیر حق باز (۴۲۳).



## ۲.۲. گندم: میوه ممنوعه

ماهیت میوه ممنوعه نه در سفر پیدایش مشخص است، و نه بعدها در تعیین آن اتفاق نظری وجود دارد. به هر حال، در سفر پیدایش به اجمال سخن از درخت حیات به میان آمده: «اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هراینه خواهی مرد» (۲: ۱۷). در این میان، مصداق بارز آن در ادبیات یهودی - مسیحی، سیب بوده است؛ نگارنده در «حبه سوم» از کتاب حبه‌های نقره‌فام: الهیات و مضامین کتاب مقدسی در شعر معاصر فارسی (نشر کتابخانه ادبیات، ۱۳۹۶) ضمن بررسی برخی ابعاد زبان‌شناختی این موضوع، به برخی تحولات آن، از جمله در شعر فارسی معاصر نیز پرداخته‌ام. در این میان، شاهین هماره از گندم سخن به میان می‌آورد:

ولی گندم نخور ورنه بمیری / به طفلی و به برنایی و پیری  
... دل آدم به گندم میل می‌کرد / چو امر حق نبود آن را نمی‌خورد

## ۲.۳. پدر ابراهیم: ترح/آذر

نام پدر ابراهیم در تورات به صراحت ترح ذکر شده است، و در قرآن آذر خوانده شده است «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً» (انعام: ۷۴)؛ البته در ادب فارسی هماره با این نام مواجهیم. شاهین، ابتدا به این اختلاف با احترام اشاره می‌کند:

از او ترح پسر بر ماند بر جا / که آذر خواند او را مرد دانا (ص ۶۰)

اما در ادامه، عمدتاً از نام آذر استفاده می‌کند

بدادی بُت به ابراهیم آذر / که رو بفروش و زودی زر بیاور (ص ۶۳)  
بر آن خواری و زاری بار دیگر / ببردی کش کشانش پیش آذر (ص ۶۳)

همینطور تا انتهای کتاب (نک. ص ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۱۹۸).

## ۲.۴. ساختن کعبه

ساخت بنای کعبه، موضوعی است که تنها قرآن به صراحت از آن سخن گفته «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره: ۱۲۷). شاهین در میان دو واقعه اقامت هاجر و اسماعیل در سرزمین فاران (پیدایش ۲۱: ۸-۲۱) و پیمان ابراهیم و ابی ملک (موسوم به پیمان بی‌شبیخ، ۲۱: ۲۲-۳۴) داستانی را

گنجانده که کاملاً یک روایت اسلامی است. کوتاه آنکه، ابراهیم پس از مدت‌ها هوای دیدن فرزند خود اسماعیل می‌کند و به دیدار آنها می‌رود. اما این صرفاً یک تجدید دیدار نیست، بلکه ابراهیم قصد دارد، با کمک اسماعیل زیارتگاه کعبه را تجدید بنا کند. در بیان شاهین نیز، بنای اولیه این ساختمان از عهد نوح بوده، اما در گذر زمان تبدیل به بتکده شده، حال ایشان قصد بازسازی آن دارند:

مقامی هست از اینجا اندکی دور / که کان نعمت است و معدن نور  
بگاه نوح پیغمبر بُد آباد / در آن ساکن بُدی پیوسته دلشاد  
مقام خاص بود و جای تعظیم / دل شیطان از او می‌بود در بیم  
یکی بتخانه بُد آباد و مشهور / ورا می‌خواندند آن بیت معمور  
همی خواهم بجای آن بر آن تنگ / بسازم خانه خوب از گچ و سنگ  
... بس آنجا خانه را معمور کردند / بگیتی از نُوش مشهور کردند  
نهادند آنگهانی کعبه‌اش نام / زیارت خانه‌ای گشت اندر ایام  
از آنجا شاد و خرم بازگشتند / بسوی چاه زمزم ره بهشتند  
ز ابراهیم حج ماند یادگارست / ز حج خوشتر نمی‌دانم چکار است (ص ۶-۱۲۵).

#### ۲.۵. صفا و مروه و زمزم (بئر شیب)

بر اساس پیدایش باب ۲۱، هاجر و اسماعیل پس از رانده شدن از خانه ابراهیم در بئر شیب اقامت کردند، تا مختصر آذوقه ایشان پایان یافت. اما در سروده شاهین عناصر اسلامی داستان همچون دو کوه صفا و مروه، چاه زمزم به چشم می‌خورند:

در آن نزدیکی آنان دو کُهِ بود / ابا آب و علف از حکم معبود  
صفا و مروه می‌خوانندشان را / همان نام است تا امروز آن را  
... دوید هفت بار از کوه بر کوه / دل پر غم بزیر بار اندوه  
... پیست آن آبرا چون راه محکم / شد او چاهی و هست آن زمزم (ص ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲۳).

در اینجا، اشاره به این نکته نیز خالی از لطف نیست که در تورات و در ماجرای ذبح اسحاق، ذکری از اسماعیل نیست، اما در تفسیر شاهین، اسماعیل نیز به عنوان همراه حضور دارد:

ببرد اسحاق را با خویش خواهم / که هست او بهتر از خورشید و ماهم ...  
شد اسماعیل ابا آن یار دیگر / ز شاگردان آن خورشید منظر ...  
به اسماعیل و آن شاگرد خود گفت / که بادا با خرد جان شما جفت

شما از پادمی اینجا نشینید / بکارستان حق لختی ببینید  
که با اسحاق خواهم شد ورا پیش / ببینم حال ما نوش است یا نیش (ص ۱۲۸-۱۳۱).

### ۲.۶. حضور پرننگ فرشته جبرائیل

از میان فرشتگان، جبرائیل حضور پرننگی در تورات ندارد، نام او تنها دو مرتبه در کتاب دانیال آمده است (۸: ۱۶؛ ۹: ۲۱)؛ هرچند در قرآن نیز نام او بسامد بالایی ندارد (تنها سه مرتبه در بقره: ۹۷، ۹۸؛ تحریم: ۴) اما در سنت و ادبیات اسلامی پرننگ است. به همین ترتیب، در سراسر شاهین توره، در همه داستانهایی که سخن از امداد غیبی خداوند می‌باشد، نام و نقش این فرشته به طور برجسته نمایان می‌شود؛ چند مثال:

ماجرای شفای ایوب نبی (ص ۲۳۷)

ز ناگه جبرئیل آمد به پیشش / فرومالید به وی پره‌های خویشش

تسلی یوسف در چاه (ص ۲۴۶)

بدو گفت جبرئیل ای کودک خوب / چراغ دودمان آل یعقوب  
رسول خالق لیل و نهارم / امین حضرت پروردگارم  
درودت می‌فرستد حی جاوید / خدای ابر و ماه و باد و خورشید  
همی گوید مترس از کید دشمن / بهر جائی که هستی با توام من

### ۲.۷. استفاده از ترکیب‌های قرآنی

ترکیب «لَنْ تَرَانِي» به معنی «هرگز مرا نخواهی دید» از تعبیر مشهور قرآنی است که موسی در جواب درخواست رؤیت خداوند شنید «قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي» (اعراف: ۱۴۳)، و در شعر فارسی نیز بسامد بالایی دارد. شاهین نیز در بخشی از مدح موسی چنین آورده:

کلیم اله امین حضرت راز / رسول دادگر شهباز افراز ...  
خوش الحان عندلیب قلّه طور / جهان رحمت و هم معدن نور  
بَر و بحر و محیط لامکانی / وقوف رازهای لَنْ تَرَانِي<sup>۱</sup>

۱. در متن کتاب به صورت سر هم «لنترانی»، (ص ۴).

ترکیب «حج اکبر» از عبارات قرآنی است که در سوره توبه «وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» (۳) به کار رفته، و کاربست آن در توصیف حج ابراهیم: ... حج اکبر بگردانم بروزی / چراغ مرده‌ام را بر فروزی (ص ۱۲۶).

## ۲،۸. کلیدواژه‌های فقه اسلامی

### حنوط

یکی از آداب خاکسپاری در شریعت اسلام، مالیدن گیاه کافور به قسمت‌هایی از بدن میت است که از آن به حنوط تعبیر می‌شود. در ماجرای تدفین یعقوب، عبارت سفر خروج چنین است: «و یوسف طیبانی را که از بندگان او بودند، امر فرمود تا پدر او را مومیایی کنند. و طیبان، اسرائیل را مومیایی کردند. و چهل روز در کار وی سپری شد، زیرا که این قدر روزها در مومیایی کردن صرف می‌شد این کار چهل روز به درازا کشید، چه مدت مومیایی کردن چنین است» (پیدایش ۵۰: ۲-۳). و در زبان شاهین:

بسازیتان «هنوط»<sup>۱</sup> این شاه ما را / چراغ خاندان انبیا را (۳۷۵)

و تکرار آن در وصیت‌نامه یوسف

درون آن بسازیدم مرا جای / حنوطم کرده بنهید اندر آن جای (۳۸۴، ۳۸۶)

اینها محورهای هشت‌گانه مباحث این بخش بودند، البته با مطالعه بیشتر می‌توان محورهای دیگری نیز افزود، از جمله کاربست ترکیب‌های عربی در کتاب؛ مانند تعبیر از «ده فرمان» به عشر آیات

عشر آیات را از ید قدرت / بشان بنویس ای شهباز حضرت (ص ۵۴۴)

که عشر آیات را بر لوح اعظم / نویسش چون برآمد وقتش این دم (ص ۵۷۳)

## سخن پایانی

بدون شک انتشار این اثر به خط و الفبای زبان فارسی که به همت جناب آقای دکتر منوچهر خوبان صورت گرفته، خدمت بزرگی به زبان فارسی است. به طوری که مطالعه آن

۱. کذا، صحیح: حنوط.

ایده بخش پژوهش‌های مختلف (اعم از پایان نامه و مقاله) در آینده خواهد بود. از سوی دیگر، دقت مصحح در توضیح کلمات تخصصی عبری در پاورقی نیز ستودنی است.

### برخی بایسته‌های پژوهشی

۱. نقادی متن؛ به لحاظ متن شناسی، به نظر می‌رسد سرودهای اثر یکدست نیست؛ برداشت اولیه نگارنده این مقاله از نسخه مورد مطالعه این بود که گویا در بخش‌هایی افزوده‌هایی شکل گرفته است. به عبارتی، چنین می‌نماید این اثر در دوره‌های مختلف از دستکاری (کاتبان و ...) مصون نمانده است. از سوی دیگر، با توجه به مباحثی که طرح شد، به نظر می‌رسد تصحیح مجدد این اثر به صورت تیمی همچنان یکی از بایسته‌های پژوهشی برای جامعه عملی ما می‌باشد. کوتاه آنکه، همکاری دست کم سه پژوهشگر با تخصص‌های مطالعات یهود، مطالعات اسلامی و ادبیات فارسی برای ارائه تصحیح انتقادی، فنی و دقیق‌تر از شاهین توره یک ضرورت است.

۲. داستان ایوب در شاهین تورات از ابعاد مختلفی شایسته بررسی است؛ ایوب شاهین توره کم‌ترین شباهت را به ایوب تورات، و بیشترین شباهت را به قصص الأنبیا و منابع تاریخی اسلامی از یک سو و نظریات تلمودی از سوی دیگر دارد. و در اینجا تنها به دو نکته اشاره می‌کنیم. در این اثر، مبتنی بر نظریات تلمودی و منابع اسلامی، ایوب داماد یعقوب نبی است (صرف نظر از برخی تفاوت‌ها)؛ به این جهت شاهین سوانح زندگی ایوب را در میانه سفر پیدایش و داستان‌های پدرزنش یعنی یعقوب آورده است. مطابق آن، یعقوب بعد از ماجرای دینه و شکیم، و انتقام از خاندان شکیم (پیدایش باب ۳۴)، دخترش دینه را به عقد ایوب درآورد:

از ان بگذشت سالی چند یعقوب / بداد آن دختر خود را به ایوب (ص ۲۳۱)

قس. بازتاب آن در تاریخ طبری: «ابلیس دشمن خدا زن ایوب را بدید و او لیا (?) دختر یعقوب بود» (طبری، تاریخ، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۲۵۲). اما نکته دوم و جالب‌تر حضور پررنگ همسر ایوب در گفت و گوها و سرزنش ایوب است.

۳. مقایسه داستان یوسف و زلیخای شاهین توره با متون مشابه در ادب فارسی؛ روایتی که شاهین گزارش کرده، در کنار شباهت‌هایی فراوانی که به متون فارسی دارد، متضمن

توصیه‌های اخلاقی در قالب داستان‌سرایی است که بیان آنها می‌تواند به غنای ادب فارسی بیفزاید.

۴. در حوزه ترجمه‌های منظوم تورات (دست کم در جهان اسلام) می‌توان از لابلائی فهرست کتابخانه‌های جهان آثار متعددی را شناسایی کرد. از جمله این نسخه:

توراة (منظوم ترجمه)، خواجه نجف علی، فارسی، خط نستعلیق، ۲۷۲ برگ، خزینة المخطوطات: فهرست مخطوطات انجمن ترقی اردو - کراچی، ج ۲، ص ۱۲۶، اثر مخدوم سلیم الله صدیقی<sup>۱</sup>.

البته فهرست مذکور، فاقد توضیحات تفصیلی است و بدون ملاحظه اصل نسخه، نمی‌توان به محتوای آن پی برد. باری، اصل این موضوع و تهیه یک کتاب‌شناسی جامع می‌تواند زمینه پژوهش‌های جدی‌تری را فراهم کند.

۱. آشنایی با این نسخه به واسطه دوست گرامی آقای دکتر حسین متقی بود، از ایشان سپاسگزارم.